

ارزیابی چگونگی تجلی نور در معماری مساجد با مطالعه موردی در محور میانی شهر تبریز (باغ گلستان تا چهارراه آبرسان)

پریسا هاشم پور^۱، فرزانه قلی‌زاده اورنگ^۲ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۷

چکیده

تجلی محوریت انسان در معماری، در اینبیه مختلف صور متفاوتی به خود می‌گیرد. بنای مسجد به عنوان محل عبادت با خدا، جایگاه انسان را در این محوریت تشدید نموده و نمودگاه وجوه وجودی او است. به همین منظور پارامتر "نور" به عنوان اساس وجود خدا و انسان که بر پایه دیدگاه اشرافی استوار است؛ به عنوان متغیر این پژوهش انتخاب گردیده و پس از مطالعه ادبیات موضوع با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی، ضرورت و جایگاه آن در بنای مسجد مورد پژوهش قرار گرفته است. پس از واکاوی ابعاد نور و جنبه‌های آن در وجود انسان، سه نقش عمده برای آن بدست آمد که به نظر، مهم ترین کارکردهای معنایی نور در فضای عبادی هستند. به نظر محقق و پس از مطالعه میدانی نمونه مساجد در شهر تبریز و نیز اخذ نظر متخصصین معمار، هریک از این مفاهیم با نمودهای عینی، قابل نیل در کالبد مسجد می‌باشند که به همین منظور عینیت مورد نظر محقق، به عنوان اصل در نظر گرفته شده و میزان ادراک مفاهیم مدنظر، مورد سوال واقع گردیده است. این پژوهش از میان متغیرهای کیفی، روحانیت و قداست، هدایت و طی مراتب و تجلی حق و عروج را به عنوان مفاهیم و نقش‌های موثر نور و در مقام فاکتورهای کمی معادل، جهت نورگیر، ابعاد آن، تعداد آن‌ها، ارتفاع آن از سطح زمین و رنگ پوشش نورگیر را به عنوان متغیرهای مستقل در ارزیابی مفاهیم وابسته انتخاب نموده است. به نظر می‌رسد چنانچه بتوان بازشوها را با رعایت مشخصات کالبدی خاص همچون ارتفاع بالاتر از افق دید، قرارگیری در جبهه جنوبی، اندازه‌های کوچک و در مقابل تعدد آن‌ها و ... در بدنه مساجد طراحی نمود؛ نیل به مفاهیم عرفانی نور سهل‌تر خواهد بود. نتایج پژوهش این فرضیه را اثبات نموده و نشان می‌دهد کاربر مسجد نیز تجلی مفاهیم مذکور را در صورت رعایت این الگوها، قوی‌تر و محکم‌تر حس می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

انسان مسلمان، نور، مسجد، تجلی، تبریز.

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۱- مقدمه

وجود خدا سراسر نور است و انسان به عنوان تجلی خدا در زمین نیز وجودی از نور دارد. نور در نگاه انسان به دلیل ارتباط ماهوی با آن، جای تامل داشته و احساس هم پیوندی با آن، امری ناخودآگاه و درونی به شمار می‌آید. در این میان نور محسوس به عنوان جزئی‌ترین و مادی‌ترین بعد نور، توسط حس بینایی انسان قابل درک بوده و می‌تواند رابطی ملموس و عینی بین کالبد انسان و ماهیت حق باشد. بنابراین در مکان مسجد که بنایی است ملزم به ایجاد و حفظ ارتباط بین انسان و خدا، نور یکی از پارامترهای بنیادین به عنوان متغیری میانجی از بعد معنایی وجودی معبود و عبد، به شمار آمده و در خور تحقیق است. به نظر می‌رسد ارزیابی چگونگی تجلی این معنا در ساحت ماده، در معماری‌های متفاوت، نتایج متفاوتی ارائه دهد و همین مسئله ضرورت تعیین چارچوب برای بهره از نور و لذا ضرورت این پژوهش را به اثبات می‌رساند. به نظر می‌رسد متغیرهای کمی در بررسی این پژوهش کیفی دخیل‌اند و تاثیر غیر مستقیم بر ارزش گذاری‌های کیفی نور در کالبد مساجد می‌گذارند. بی شک تغییر در این متغیرها، بازی نور در کالبد مساجد را تغییر داده و منجر به تجلی متفاوت در ذهن مخاطب خود خواهد شد. هدف این پژوهش بررسی

همین امر بوده و ارزش‌گذاری متغیرها به روش همبستگی انجام یافته است. با استناد به رابطه کوکران و بر اساس جمعیت شهر تبریز، ۳۸۰ نفر به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب گردیده و مطالعه بر روی محور میانی شهر از باغ گلستان تا چهارراه آبرسان با حدود ۲۰ مسجد انجام شده است. از آنجا که برخی مساجد تخریب و برخی دیگر در حال مرمت بوده و قابل استفاده نیستند؛ ۱۳ نمونه در این بافت باقی‌مانده که مورد مطالعه قرار گرفته است. این ۱۳ نمونه بسته به محل قرارگیری و مساحت خود، پذیرای تعداد متغیری از کاربران است و بنابراین نفرات مورد سنجش در هر نمونه متغیر می‌باشد. از آن جا که بنا به ضرورت مطالعه و با استناد بر تداعی مفاهیم در ذهن مخاطب، ارزیابی در ساعات نماز ظهر و عصر انجام یافته؛ نفرات مراجعه کننده به مساجد محدود و پس از چند روز ارزیابی میدانی، تکراری می‌گردند. بنابراین نفرات باقیمانده جامعه آماری، از عابرن این محور که با کالبد مساجد این بافت نیز آشنایی داشتند؛ انتخاب شدند. پس از ارزیابی‌های آماری نیز تفاوتی بین پارامترهای آماری سنجش بین این دو گروه مشاهده نشد و لذا کل مخاطبان حاصل تلفیق کاربران مساجد و عابرن محور مورد مطالعه در نظر گرفته شدند.



دیاگرام ۱. چارچوب تحقیق. ماخذ: نگارندگان

۲- روش پژوهش

هدف در این پژوهش، ارزیابی نمودهای معمارانه‌ای است که می‌تواند در تجلی مفاهیم عرفانی موثر باشد که از میان انبوه متغیرها و پارامترها، نور به عنوان یکی از موثرترین آن‌ها انتخاب شده است. بنابراین پس از واکاوی ابعاد مادی و معنایی آن، به تعریف متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش پرداخته خواهد شد که مسلماً حوزه مادی، تعریف‌کننده پارامترهای مستقل و بخش معنایی، بیانگر متغیرهای وابسته خواهند بود. تایید و یا رد معادل‌های عینی برای مفاهیم ذهنی و روانی، به عهده مخاطب گذاشته شده و بنابراین از روش همبستگی به تحلیل نگاه آن‌ها پرداخته می‌شود. انتخاب جامعه آماری و مصادیق پژوهش در شهر تبریز صورت گرفته و باغ گلستان تا چهارراه آبرسان، محور مطالعه در نظر گرفته شده است. پس از تحلیل یافته‌ها با نرم افزار SPSS میزان موفقیت پژوهش در عینی‌سازی مفاهیم مورد انتظار از نور در مساجد قابل ارزیابی خواهد بود.

۳- نور و ساحت‌های مادی و معنوی آن

نور در مکتب اسلام به واسطه تلقی وجود خداوندی از آن، مورد توجه بسیاری دین پژوهان قرار گرفته و بخش مهمی از نگاه محققان را به خود اختصاص داده است. نور به عنوان منشا وجودی حق و وجه مشترک انسان و خدا (سهروردی، ۱۳۵۷)، جزو مباحث پایه‌ای معرفت‌شناختی بشمار آمده و شناخت آن منجر به تبیین ابعاد وجودی خدا و انسان و لذا معرفت خود و حق تلقی می‌گردد. سهروردی، خدا را نور حقیقی و مطلق می‌داند (طاهری و خانه زر، ۱۳۸۹، ۱۱۵) و معتقد است آنچه اصالت هست خداست و همه موجودات تجلی اسمای حسنی اویند. در عالم وجود چیزی اظهر و روشن‌تر از نور نیست بنابراین چیزی از نور بی‌نیازتر از تعریف نیست. (سهروردی، ۱۳۵۷، ۱۹۷) (بنیانی و کوچنانی، ۱۳۹۱) (طاهری و خانه زر، ۱۳۸۹، ۱۲۷) (عبداللهی اهر، ۱۳۸۹، ۱۹۵) از منظر اسلام، همه انسان‌ها در یک سطح نبوده و هرکس سهمی از نور خدا دارد. (طاهری و خانه زر، ۱۳۸۹) در حکمت اشراق و عرفان عطار، هرکس ادراک بیشتر و بهتری از نور داشته باشد، ارجح‌تر بوده و نور ملاک کمال و نقصان به شمار می‌آید. در مدل اشراقی، هریک از انوار پایین‌تر علاوه بر نور ذاتی خود به سبب ابتهاج می‌توانند از هرکدام از انوار بالاتر، نور دریافت دارند چرا که بین آن‌ها و انوار بالاتر حجابی نیست. (توازیانی و کاوندی، ۱۳۸۷، ۲۳) از نگاه اندیشمندان آیین

اسلام، انسان از هر عالم وجهه‌ای را به مشارکت گرفته و از این منظر ابعاد وجودی خود را نمود می‌بخشد. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، ۲۲) نور وجودی او نیز در مرتبه‌ای مابین ملک و ملکوت جای داشته و از همین رو، دو حوزه معنا و ماده را شامل می‌گردد که کامل‌ترین لذت او به ادراک نور و عالم انوار متعلق است و عظیم‌ترین لذت، شهود جلال الهی معنا می‌شود. (کمالی‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۲۰) مولوی نیز به نور نه به عنوان یک حقیقت کلی بلکه به عنوان عنصری که همواره با انسان در ارتباط است؛ می‌نگرد. او به ارتباط نور حق با انسان کامل معتقد بوده، وحدت نور، پاکی نور و ذومراتب بودن نور را از ویژگی‌های نگاه خود قرار می‌دهد. (یوسف‌پور و بخشی، ۱۳۸۸) او نور را به عنوان تمثیلی از وحدت وجود بکار برده (یوسف‌پور و محمدی کله سر، ۱۳۹۰: ۲۲۲) و آن را وسیله‌ای برای فهم معانی به مخاطب عنوان می‌دارد. نور حق را کامل‌ترین نور قلمداد نموده (روحانی و عربشاهی کاشی، ۱۳۹۰: ۲۱ و ۲۰) و پس از او در وجود انسان کامل نمود می‌بخشد. (بهنام، ۱۳۸۹: ۱۰۴ و عبداللهی اهر، ۱۳۸۹: ۲۰۷) او نور را در دو قسم پایدار و ناپایدار معرفی کرده آن‌ها را حقی و حسی می‌نامد. سه مرتبه برای آن قائل است و نور حق، نور دل و نور چشم را از مراتب نور می‌داند. او نور ناپایدار را وابسته به دنیای مادی تلقی کرده و نور ظاهری و محسوس را جزیی از آن تعریف می‌کند. (روحانی و عربشاهی کاشی، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۶) در این بین، سهروردی نور محسوس را از همه اجسام شریف‌تر دانسته و از هیات ظلمانی به عنوان معلول نور محسوس یاد می‌نماید. او معتقد است نور محسوس ماهیت فی نفسه دارد و در شناخت انسان از برآخ یا همان اجسام دخیل بوده و یکی از تجلیات نور حقیقی است (دیباجی، ۱۳۹۰: ۱۴). از همین روست که در حکمت اشراقی، حس بنیایی برای انسان جایگاه ویژه‌ای در میان حواس ظاهری داراست (اهل سرمدی، ۱۳۸۸: ۶۴). مهم‌ترین حس انتقالی بشمار آمده و در انتقال احساسات مختلف و ادراکات به مغز نقش مهمی دارد. مسلم است که نور محسوس در این انتقالات جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت (کاتب، ۱۳۸۶: ۶۵). لذا می‌توان گفت نور به عنوان بُعد مشترک میان انسان و خدا، جایگاه مورد توجهی بین متفکران دینی و عارفان دارد و از آنجا که نور محسوس نیز متعالی‌ترین جسم مادی تلقی می‌شود؛ واسطه مناسبی بین عینیت و ذهنیت قلمداد می‌گردد.

۴- نمودهای معنایی نور در مسجد

نور در کالبد مادی و در هیئت بخشی به معانی، که در قالب هنر معماری تجلی می‌یابد؛ صرفاً به عنوان عنصر فیزیکی و مادی مطرح نبوده و سمبل عقل الهی و وجود نام برده می‌شود. نور در این ساحت، حضوری روحانی است که در سختی ماده نفوذ کرده آن را تبدیل به صورتی شریف می‌نماید که زیبا و شایسته بوده و محل استقرار روح انسان است. اساساً معانی و مفاهیم عالی قدسی از طریق نماد در قالب صور حسی در می‌آیند و نماینده معانی متعالی می‌گردند (وفایی و نزهت، ۱۳۸۸: ۱۷۲) از همین روست که می‌توان نور مادی را به عنوان نمادی از معنای متعالی نور حق قلمداد نمود. بهره از نماد و انعکاس یک معنا در صورت یک ماده، در جهان بینی اسلامی مطرح بوده و کارکرد ماده و ایده، کارکردی انعکاسی تلقی می‌شود. از همین منظر معماری اسلامی به ویژه مسجد، تجلی‌گاه نورانیت عالم خیال و نمودگار اصل تجلی قلمداد می‌گردد (شفیعی و بلخاری، ۱۳۹۰: ۲۸). معنا در معماری اسلامی بر شکل و فرم تاثیرگذار است و در این بین، نور به عنوان مجازی از نور حق، ذهن مخاطب را برای حرکت دیگر غیر از جنس جسم آماده نموده (ایمان طلب و گرامی، ۱۳۹۱: ۸۴) و در وجهه طبیعی خود، اشارتی رمزآمیز بر ذات نورالانوار خداوند است. (ایمان طلب و گرامی، ۱۳۹۱: ۸۷) بنای مسجد به عنوان معماری قدسی اسلامی عالی‌ترین بستر تکامل و تعالی روح آدمی بوده (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۷) و تجلی‌گاه معماری قدسی است (حق طلب و کاروان، ۱۳۹۱) که بهره‌مندی از ویژگی‌های معنایی در طراحی آن، در پیام رسانی توحیدی موثر قلمداد می‌شود. (کازمی و کلانتری، ۱۳۹۰: ۴۱) کالبد مسجد گام نخست در بیان تقدس فضای معماری است و معمار در راستای القای این تقدس به مخاطب در تلاش است (حق طلب و کاروان، ۱۳۹۱: ۲۵) مسجد جلوه‌گاه رابطه عاشقانه و عارفانه عبد و معبود بوده (محمدی و روزبهانی، ۱۳۹۱: ۱۱) و هنرمند مومن با استعانت از قوای تخیلی و تعقلی خود از نور به عنوان نمادی از عقل الهی و وجود، در معماری بنای قدسی بهره جسته و از این مسیر بنا را نماد جلوه‌گری نور مطلق آسمان و زمین قرار می‌دهد. لذا می‌توان گفت معماری مسجد به یک لحاظ جایگاه نور و به لحاظ دیگر خود نور خداست (شفیعی و بلخاری، ۱۳۹۰: ۲۸) بنابراین نور طبیعی نمادی از نور معنوی و نور حق تلقی می‌شود که می‌تواند در ارتباط انسان سراسر نور با اله سراسر نور خود، نقشی موثر ایفا کند. از آنجاکه نمود این ارتباط در بنای مسجد تجلی می‌یابد؛

فضای مسجد و چگونگی نفوذ نور طبیعی در آن در ارتقای انسان در مسیر تعالی به سمت معبود، اهمیت یافته است.

۵- واکاوی نقش‌های نور در بنای مسجد

همانگونه که اشاره گردید عارفان و اندیشمندان حوزه دین، در تعاریف و تمائیل خود از نور بهره بسیار گرفته‌اند و نقش‌های متنوعی برای آن متصور شده‌اند. از آنجا که مطالعه حاضر، از نگاه سهروردی و مولانا به تبیین مسیر پژوهش پرداخته است؛ به نظر می‌رسد با جمع‌بندی تعاریف آنان و با نگاهی به پژوهش محققانی که مسیر تحلیلی آنان را واکاوی نموده‌اند؛ بتوان مفاهیم مشخصی برای نور استنتاج نمود. با رویکردی دیگر، در حوزه فضا سازی و کیفیت بخشی به فضای معماری نیز، نظر معماران در این زمینه واجد ارزش خواهد بود. از منظر سهروردی، نور سمبل وجود الهی است و از فرط اظهر بودن، بی نیاز از تعریف است. از نگاه مولانا نور طبیعی اگرچه در پایین‌ترین درجه انوار قرار دارد، اما وسیله‌ای برای تفهیم معانی به مخاطب است. از طرفی سهروردی نیز نور طبیعی را شریف‌ترین اجسام می‌داند و همین امر لزوم بهره از آن را در فضایی چون مسجد به اثبات می‌رساند، به نحوی که در کامل‌ترین درجه، بیان‌کننده خلوص و پاکی خود باشد. از این بُعد، نور طبیعی بایستی پیام‌رسان وجود الهی بوده و بهره از آن تجلی‌گر **قداست و روحانیت** حق باشد. مولانا، عطار و سهروردی هر سه، نور را دارای مراتب می‌دانند و انسان را بسته به مرتبه وجودی خود قادر به ادراک مرتبه‌ای از نور تلقی می‌کنند. مولوی کامل‌ترین نور را پس از حق، در وجود انسان کامل متجلی می‌بیند و با این رویکرد، انسان برای نیل به مراتب متعالی نور بایستی مراتب کمال را در وجود خود طی نماید. از این منظر نور طبیعی واسطه‌ای برای طی طریق قلمداد می‌شود و می‌تواند هدایت‌گر نگاه مخاطب از قوای بصری به قوای قلبی و عقلی گردد. بنابراین در مکانی چون مسجد، **هدایت و طی مراتب** جزو نقش‌های نور تعبیر می‌گردد که بایستی در نگاه انسان موثر واقع شود. طبیعی است که جلوه‌گری حق از سویی و هدایت‌گری از سوی دیگر، تعالی را در پی خواهد داشت و انسان در حال عبادت و در بنای مسجد، اوج لذت خود را در عروج به سمت حق معنا خواهد نمود. از نگاه سهروردی، شهود جلال الهی عظیم‌ترین لذات است و از آن جا که نور واسطه‌ای برای این شهود تعبیر می‌گردد؛ بایستی نمادی از شکوه خدایی باشد. بنابراین **تداعی حق و واسطه‌گری عروج** انسان در بنایی چون مسجد از فرش تا عرش، می‌تواند جزو مهم‌ترین نقش‌ها و تاثیرات نور تلقی گردد. از

عروج مربوط به ادراک مخاطب و کمک کننده برای ارتباط‌گیری بهتر او با معبود خود به شمار می‌آیند. یک مسجد فی نفسه باید روحانی و مقدس باشد؛ اما در صورت معماری موفق قادر خواهد بود دو حس دیگر یعنی هدایت‌گری و عروج را در کاربر خود زنده نماید. از آنجا که نور در تبیین هر سه عامل نقش اساسی ایفا می‌نماید؛ مطالعه هر سه پارامتر در مورد فضای مساجد ضروری به نظر رسیده و به عنوان عوامل لازم و ملزوم هم در خور توجه همزمان‌اند.

همین رو می‌توان با بهره از نگاه سهروردی و مولانا، سه نقش روحانیت و قداست، هدایت‌گری و تداعی حق و عروج را از مفاهیم کیفی نور در بنای مسجد ارزیابی نمود. (جدول ۱) نکته حائز اهمیت اینست که ارتباط بین متغیرهای مذکور به صورت طولی است. به بیانی دیگر دو نقش اخیر، ایجاد کننده و یا تقویت کننده روحانیت و قداست مسجدند. به طور کلی می‌توان گفت روحانیت و قداست، حس کلی حاکم بر فضای مسجد است و دو مفهوم دیگر بایستی در ارتقای این متغیر، ایفای نقش نمایند. به عبارتی بهتر روحانیت شرط لازم در یک مسجد است و هدایت‌گری و

جدول ۱: نقش‌های موثر نور با اقتباس از ادبیات نظری، ماخذ: نگارندگان

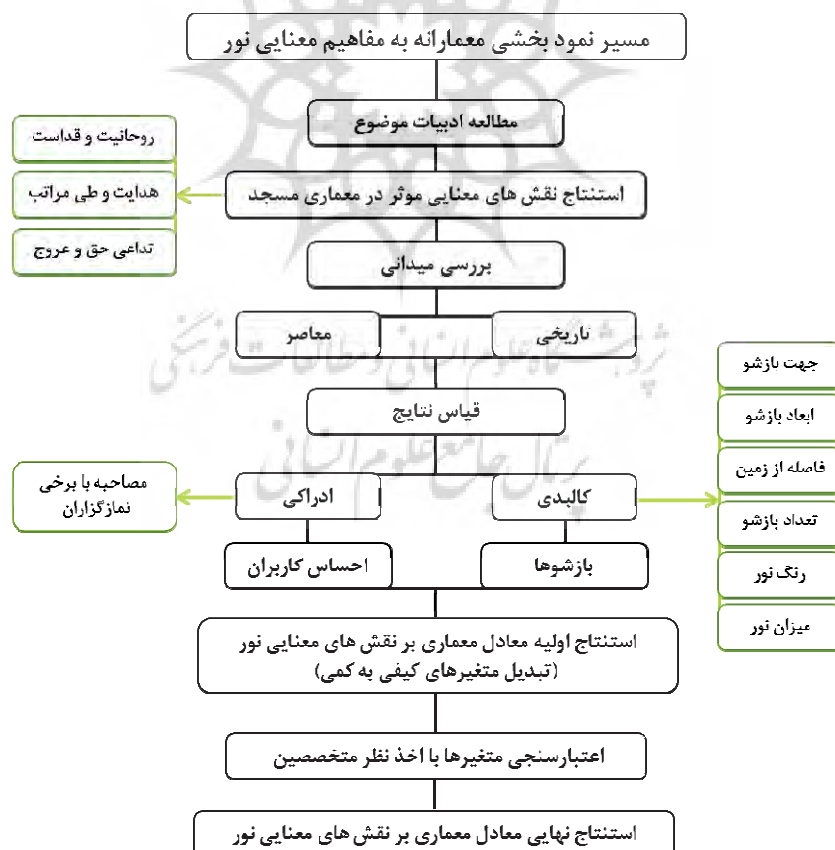
نقش‌های موثر	مفاهیم با بهره از مبانی نظری	متفکر و صاحب نظر			
		سهروردی	مولانا	سایر پژوهشگران	
روحانیت و قداست	سمبل مثل الهی و وجود	←	←	جن ۴	
	حضور روحانی	←	←	ایمان طلب و گزینی، 1391	
	مجازی از نور حق	←	←	بمانیان و همکاران، 1389	
	موثر در بیان تقدس فضای معماری	←	←	حس طلب و کاروان، 1391	
	پاکی	←	مولانا به نقل از یوسف پور و بهمنی، 1388		
	بی شده بودن نور حق	←	مولانا به نقل از یوسف پور و بهمنی، 1388		
	ظهور ولعیت نه تصور و مفهوم	←	سهروردی به نقل از دیباجی، 1390		
	ظهور و بی نیاز از تعریف	←	سهروردی به نقل از بنیانی و کوچنای، 1391		
	هدایت و طی مرتب	نقش در سبب ماده	←	←	جن ۴
		نوع نور پدیدار - ناپدید از حسی - حسی	←	←	مولانا به نقل از روحانی و مریشاهی کاشی، 1390
مرتب نور، نور چشم، نور دل و نور حق		←	←	مولانا به نقل از یوسف پور و بهمنی، 1388	
نسان ذومرتب نور ذومرتب		←	←	سهروردی و عطار به نقل از طاهری و خله زره، 1389	
مرتب بی حجاب		←	←	سهروردی به نقل از تویزهی و کازندی، 1387	
تداعی حق و عروج	سمبل مثل الهی و وجود	←	←	جن ۴	
	تصاریف رمزآمیز هر ذات نورالانوار خداوند	←	←	ایمان طلب و گزینی، 1391	
	نمادی از معنای متعالی نور حق	←	←	ولفایی و نزهت، 1388	
	نماد جلوه گری نور متعلق انسان‌ها و زمین	←	←	شاهی و بهاری، 1390	
	وحدت	←	←	مولانا به نقل از یوسف پور و بهمنی، 1388	
	تعمیل وحدت وجود	←	←	مولانا به نقل از یوسف پور و محمدی کله سر، 1390	
	ارتباط نور حق با انسان کامل	←	←	مولانا به نقل از یوسف پور و بهمنی، 1388	
	نور حق از بعد رحمت و رحیمیت	←	←	سهروردی به نقل از طاهری و خله زره، 1389	
	خدا نور حقیقی	←	←	سهروردی به نقل از خدایی و حامدی، 1389	
	نسان کامل پیوسته به نورالانوار	←	←		

۶- واکاوی کالبدی نور در بنای مسجد

هریک از مفاهیم اشاره شده در جدول فوق که برگرفته از مبانی نظری پژوهش است؛ می‌تواند در قالب نقش‌های موثر تعریف شده، بیانگر متغیرهایی کیفی باشد که در صورت نمود بخشی معمارانه و عینی نمودن مفاهیم مذکور، قابل سنجش در حیطه متغیرهای کمی هم ارز است. همانگونه که در جدول ۱ نشان داده می‌شود؛ مفاهیم این پژوهش در سه حوزه روحانیت و قداست، هدایت و طی مراتب و تداعی حق و عروج به منظور ارتباط با حق ارزیابی است.

به منظور معادل سازی معمارانه برای مفاهیم مذکور دو حوزه ارزیابی میدانی و اخذ نظرات متخصصین انجام یافته و برآیند نتایج آن‌ها، بیانگر معادل سازی اولیه پژوهش بوده است. پس از ارزیابی میدانی تعدادی از مساجد شهر تبریز در قالب جهت بازشوها، ابعاد آنها، ارتفاع از زمین، تعداد بازشوها و رنگ و میزان نور ورودی به فضای داخل که به منظور بررسی در دو گروه سنتی و معاصر از بافت میانی شهر و نه الزاماً از محور میانی انتخاب شده‌اند؛ تحلیل اولیه

معمارانه توسط محقق انجام یافته و مورد ارزیابی چند متخصص معمار قرار گرفته است که منظور از ارزیابی متخصصین، تاییدی در حد تحلیل روایی پرسش‌نامه در مطالعات مبتنی بر ارزیابی انسانی می‌باشد. به بیان ساده‌تر پس از واکاوی مفاهیم با تکیه بر ادبیات نظری و مطالعات میدانی، دیاگرام استنتاج متغیرها (دیاگرام شماره ۳) به چند استاد معماری ارائه شده و برآیند نظرات آنان، رفع کننده ابهامات و نهایتاً موید معادل سازی معمارانه برای نقش‌های موثر نور گردیده است که روند معادل سازی برای درک بهتر در دیاگرام شماره ۲ نشان داده شده است. در نهایت سوالاتی مبنی بر نمودهای نهایی مستخرج از پژوهش تنظیم و به کاربران مساجد ارائه گردیده است تا یافته تاکنون محقق را تایید و یا رد نموده و فرضیه پژوهش را واکاوی نمایند. همانگونه که در بخش مربوطه نیز اشاره خواهد شد؛ اخذ نظرات کاربران در مسیری بازگشتی، از معماری به مفاهیم انجام یافته تا سوالات برای آنان قابل فهم‌تر و نتایج پژوهش منطقی‌تر باشد.



دیاگرام ۲. روند نیل به نمودهای معمارانه‌ی مفاهیم مورد ارزیابی. ماخذ: نگارندگان

جدول ۲: ارزیابی کالبدی نمونه‌ها. ماخذ: نگارندگان

دوره نام بنا	موقعیت	جهت و تعداد و میزان نور وارده				متغیرهای سنجش						
		شمالی	شمال غربی	شمال شرقی	جنوبی	ابعاد	فاصله از زمین	رنگ نور				
نمونه‌های سنتی	حاج صفر علی	بازار تبریز	۵ کم	۳ کم	۲ بسیار کم	س	ش.غ	ج	س	ج.ش.غ	ج	طبیعی
	مولانا	بازار تبریز	۳ بسیار کم	۵ متوسط	۲ زیاد	س	ش	غ	س	غ	ش	طبیعی
	اهری لر	بازار تبریز		۱ بسیار کم	۲ بسیار زیاد	غ			ش	غ	ش	طبیعی
نمونه‌های معاصر	سالار	خیابان امام خمینی	۵ بسیار زیاد		۳ زیاد				ج.ش	ج.ش		طبیعی
	شکلی	خیابان دارایی	۶ بسیار کم	۸ بسیار زیاد		س		ج	س	ج	طبیعی	
	امیرالمومنین	خیابان چاپکتار		۵ زیاد				غ		غ	طبیعی	

سازی نقش‌ها و مفاهیم نور به حوزه معماری و کالبدی، برآیند مطالعه همه نمونه‌ها می‌باشد. علت بررسی نمونه‌ها در دو دوره تاریخی و معاصر، تفاوت بارز نورگیری در دو گروه نمونه است. به نظر می‌رسد برای قیاس موفق‌تر نوع نورگیری مساجد و دریافت نظر کاربران، وجود تفاوت‌های بارز لازم و ضروری باشد. چرا که مخاطب عام مسجد قادر خواهد بود اختلافات فاحش را راحت‌تر از تفاوت‌های اندک بررسی نماید و احساس خود را سهل‌تر بیان نماید. به علاوه هدف دیگری نیز از بررسی دو گروه نمونه‌ها دنبال می‌گردد که می‌تواند در قالب ارزیابی همه جانبه مساجد و عدم نگاه به تئپی خاص در معماری نمونه‌ها مستتر باشد.

طبق دیاگرام شماره ۲ و توضیحات اشاره شده، مطالعه میدانی علاوه بر تحلیل کالبدی نمونه‌ها به اخذ نظر و احساس کاربران نیز پرداخته است. این نظر سنجی در قالب مصاحبه با کاربران و دریافت احساس کلی و نظر آن‌ها در مورد نور در نمونه مربوطه بوده است. پس از تحلیل نظرات آنان به نظر می‌رسد نمونه‌هایی که در آن‌ها میزان کلی نور کم و تعداد و اندازه بازشوها به نحوی است که قادر است پرتویی از نور را به داخل فضای مسجد بکشد؛ برای مخاطبین دلپذیرترند. به عبارتی بهتر هرچه تضاد نوری بیشتر می‌گردد مخاطب از وجود نور لذت بیشتری برده و

پس از بازدید میدانی از نمونه‌های تاریخی و معاصر متعدد در بافت میانی شهر تبریز و تحلیل نورگیر نمونه‌ها، به منظور تلخیص مطلب و صرفاً ارائه‌ای از روند مطالعه کالبدی، از هر دوره فقط سه نمونه انتخاب و مشاهدات کلی در قالب جدول ۲ قابل ارزیابی می‌باشد. در حوزه دو متغیر ابعاد و فاصله از زمین نورگیرها، حروف نوشته شده نشان دهنده نورگیرهای آن راستا بوده و به عنوان مثال حرف "ج" نمایان گر بازشوهای جبهه جنوبی است. در همه نمونه‌ها نور به رنگ طبیعی خود وارد بنا می‌شود منظور از میزان نور، که در تلفیق با دو پارامتر جهت و تعداد بازشو به آن اشاره گردیده‌ت؛ میزان نور وارده از بازشوی جهت اشاره شده است که با اندازه بازشو ارتباطی مستقیم دارد.

در همه آیت‌ها به جز رنگ نور که تقریباً در همه نمونه‌ها مشترک است؛ تقسیم بندی تحلیلی در ۵ زیرشاخه انجام یافته است تا بتوان تحلیل و ارزیابی مناسبی به پارامترها ارائه داد. تعداد بازشو نیز در هر جبهه و در هر نمونه بیان گردیده و زیرشاخه‌ای به خود اختصاص نمی‌دهد. میزان نور به ترتیب از بسیار کم به کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد نیل می‌نماید و وابسته به اندازه نورگیر هر جداره است. همانگونه که اشاره گردید جدول ۲ خلاصه‌ای از بررسی‌های میدانی نمونه هاست و ارزیابی نهایی برای معادل

حضور آن را بیشتر احساس می‌نماید که غالباً در نمونه‌های سنتی بیشتر به چشم می‌خورد. اما آنچه در این قسمت از پژوهش حاصل آمده است صرفاً در حد حس کلی در نمونه‌هاست که به منظور معادل سازی فاکتورهای عینی با مفاهیم معنایی در مساجد انجام یافته و اخذ نتایج دقیق‌تر منوط به جامعه آماری بزرگتر و آیت‌های مشخص‌تر است که گام‌های بعدی این پژوهش را شکل می‌دهند.

۷- استنتاج معادل معمارانه برای نقش‌های نور (ارتباط

دهی مطالعه میدانی و ادبیات نظری)

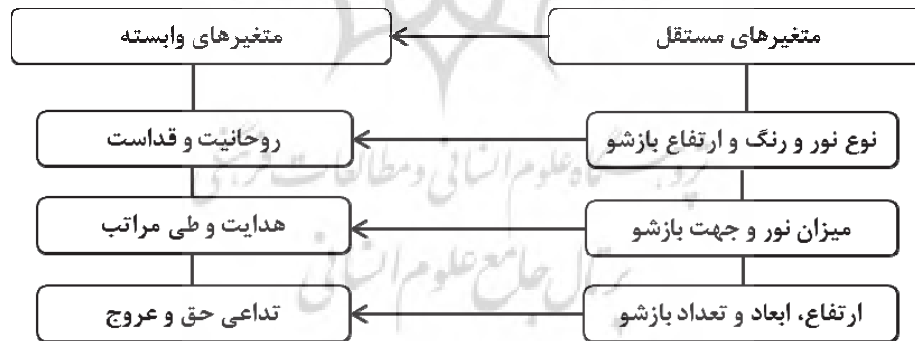
پس از تحلیل کالبدی بنای مساجد و نیز اخذ نظر ابتدایی از کاربران، به نظر می‌رسد در نگاهی اولیه برای تجلی مفهوم روحانیت و قداست، وجود نوری که زمینی نباشد، نورگیری توأم با مناظر دنیوی نبوده و بی‌آلایش، پاک، طبیعی و آسمانی باشد؛ ارائه دهنده تقدس و روحانیت به فضا خواهد بود. به همین منظور قرارگیری بازشوها در ارتفاعی بالاتر از چشم‌انداز انسانی و بهره از نور طبیعی در رنگ خالص خود، برای پاسخ به تقدس فضا لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به مفاهیم کیفی روحانیت و قداست، رنگ و نوع نور و ارتفاع بازشو را معادل کمی مفاهیم فوق دانست. با همین رویکرد، هدایت و طی مراتب را نیز می‌توان در جهت و میزان نور متجلی نمود. طی طریق از ماده آغاز می‌گردد و به معنا نیل می‌نماید و لذا قابل شهود بودن حوزه مادی برای طی مراتب بالاتر، به عنوان آغاز مسیر هدایت از ظاهر به باطن لازم است. در این راستا، طی مسیر از فضایی کم نور به پر نور، وجود سلسله مراتب را در ذهن مخاطب تشدید نموده نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌نماید. پرتوی نور طبیعی چنانچه به طور مستقیم وارد فضای عبادی شود؛ مخاطب در حال عبادت را بهتر با خود درگیر می‌نماید. این امر که با جهت‌گیری مناسب بازشو مرتفع می‌گردد؛ طبیعتاً از جبهه‌ای از بنا در خور توجه خواهد بود که صرفاً جنبه روشنایی نداشته و قادر به انعکاس نور آفتاب در داخل فضا باشد. به همین منظور وجود نورگیر در سقف بنا و احتمالاً در اطراف گنبد که در همه ساعات بتواند نور طبیعی را به داخل فضا بکشد؛ واجد ارزش خواهد بود. در کنار این امر، جداره جنوبی و رو به قبله نیز در ساعات عبادت مقرر روزانه،

ایفای نقش نموده و می‌تواند پارامتر موثری تلقی گردد. از بُعد تداعی حق و عروج نیز وجود باریکه‌ای از نور از سمت آسمان اشارتی موفق به وجود نور الانوار حق قلمداد می‌شود، چرا که شمه‌ای از حضور را از سمت آسمان به کالبد مادی و زمینی می‌کشاند. بنابراین ابعاد بازشو و ارتفاع آن نقش موثری در این حوزه خواهند داشت. در نظر گرفتن ارتفاعی که نگاه مخاطب را به اوج کشانده و در مرتبه‌ای بالاتر از وجود خاکی او قرار گیرد؛ تعالی روح را در هنگام ارتباط با معبود متجلی می‌نماید. از این منظر انسان قادر خواهد بود تمثیلی از عروج از مراتب پایین‌تر انوار به مراتب بالاتر و نور مطلق حقیقت را، حس نماید. چنانچه تعدد بازشوه‌های با ابعاد کوچک در فضا موجود باشد؛ می‌توان نمادی از تجلیات متفاوت ذات حق را نشان داد که در تلفیق با هم، اشاره به وحدت وجودی حضرت حق دارند. مهم‌ترین اصل در عینیت بخشی به مفهوم عروج، تعالی نگاه است، چرا که اوج در ادراک انسان در ارتفاعی بالاتر از مقیاس انسانی معنا می‌یابد و لذا دارا بودن ارتفاعی شاید آسمانی برای بازشو در تجلی مفهوم عروج در ذهن مخاطب امری لازم تلقی شود. از منظری دیگر، از آن جا که دستگاه ادراکی انسان "تعرف الاشیا باضدادهم" می‌باشد؛ وجود سایه در کنار نور ضروری به نظر می‌رسد تا توجه انسان را به صورت ناخودآگاه به نور جلب نماید که می‌تواند در اشاره بر ذات حق و نمادپردازی نیز موثر واقع گردد. لذا ابعاد نورگیر با این نگاه نیز مهم می‌نماید، چرا که ابعاد بزرگتر، تضادهای کمتری ایجاد نموده و نتیجه حاصل از وجود آن‌ها عمدتاً روشنایی خواهد بود و نه انعکاس پرتوی از نور... بنابراین سه متغیر کیفی این پژوهش، در سه بخش ارتفاع، نوع و رنگ نور - جهت و میزان نور و ارتفاع، ابعاد و تعداد بازشو قابل تبدیل به متغیرهای کمی است و در صورت ارزیابی نگاه مخاطب بر اساس متغیرهای کیفی و کمی تعریف شده، چگونگی تجلی نور در مساجد قابل قیاس و بررسی خواهد بود (جدول ۳).

بنابراین می‌توان به منظور تعریف متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، نموده‌های عینی و پارامترهای کمی را به عنوان متغیرهای مستقل و مفاهیم و پارامترهای کیفی را متغیرهای وابسته در نظر گرفت که کلیت آن در دیاگرام ۳ قابل ارزیابی است.

جدول ۳: تبدیل متغیرهای کیفی به کمی، ماخذ: نگارندگان

متغیرهای کیفی	نمودهای عینی	متغیرهای کمی
روحانیت و قداست	نوری که زمینی نباشد: آسمانی: مرتفع: بازشوهای در ارتفاع حضور نور طبیعی عدم نورگیری توام با مناظر دنیوی: بازشوی کوچک سقفی بی الایش: آسمانی، شفاف، خالص: نور مستقیم آفتاب: جهت و ارتفاع بازشو نور سفید و طبیعی آسمانی: نور گیر مرتفع شفاف: نور سفید، خالص نور طبیعی مطلق بدون رنگ	استفاده از نور طبیعی، رنگ نور، ارتفاع از سطح زمین
هدایت و طی مراتب	نور عمیق و دارای عمق: پرتوی نور: بازشوی کوچک مرتفع واقع در جداره‌های ضخیم رعایت مراتب: نور طبیعی - نور الهی رعایت مراتب: نور طبیعی - نور انسانی - نور الهی: قابل مشاهده هنگام عبادت سیر از ظاهر به باطن: ارتفاعی و عرضی: تاریکی مادی به روشنایی معنا: فضای تاریک به سمت روشنایی آسمان دیده شدن آسمان	جبهه تابش نور و میزان نور
تداعی حق و عروج	باریکه نور از سمت آسمان: ابعاد کوچک بازشوهای مرتفع تلفیق با تاریکی: فضایی نه کاملا روشن: بازشوهای کوچک تعالی نگاه: بازشو در ارتفاع بالاتر از قد انسان باریکه نور از سمت آسمان: تعدد بازشوهای کوچک مرتفع نماینده تجلیات متفاوت ذات حق تلفیق بازشوهای کوچک کنار هم نشان کلیت نور حق تلفیق نورهای کوچک: بازشوهای کوچک کنار گنبد بازشوی سقفی بازشوی سقفی کوچک: قابلیت ورود نور به داخل: انسان - نور - آسمان	ارتفاع، ابعاد، تعداد



دیاگرام ۳. متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش. ماخذ: نگارندگان

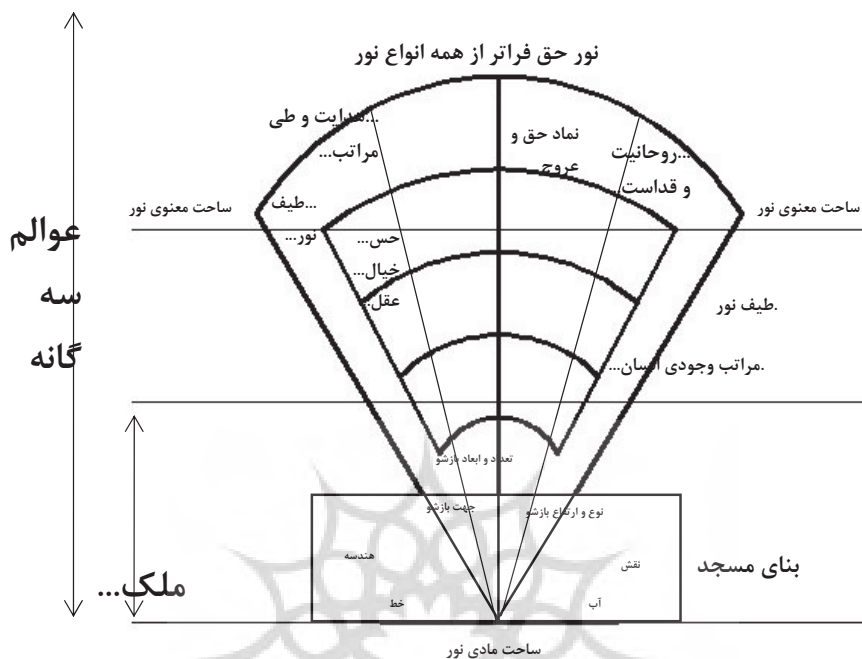
مدل مفهومی پژوهش

وجود حق از نور است و انسان تجلی حق در زمین. انسان در بین عالم ملک و ملکوت جای دارد و وجهی از هر عالم را به اشتراک گرفته و بنا به جایگاه خود سهمی از نور خدا را به خود اختصاص داده است. مراتب وجودی او در سه ساحت حس، خیال و عقل نمود یافته و ساحت حس به عنوان بعد مادی وجود او قلمداد می‌شود. در این میان نور محسوس و قابل درک در عالم حس انسان، جزئی از انواع

نور به شمار می‌آید که یکی از تجلیات نور حقیقی بوده و با حس بینایی قابل درک است. از این منظر حس بینایی نیز مهم تلقی می‌شود. و به عنوان واسطه‌ای برای اتصال نور مادی به نور حق ایفای نقش می‌نماید. اما در این میان بنای مسجد به عنوان کالبدی زمینی و ساختاری در عالم ملک، در مرکز این عالم جای دارد و خود با بهره از مفاهیم قدسی، نمادها و معانی تجلی گاه نورانیت عالم خیال و نمودگار اصل تجلی است. بنابراین نور واسطه ایست بین خدا، انسان و بنا

خویش ابعاد باطنی و معنوی آن را نیز ادراک می‌نماید. لذا در بین انبوه عناصر و نمادهای بکار رفته در بنای مسجد، مطالعه ابعاد مختلف تجلی مادی نور در بنا، امری شایسته انجام است (مدل ۱).

که با بعد مادی خود انسان در حال عبادت را تا بعد معنوی خویش که همان ذات نورالانوار خداوند است؛ تعالی می‌بخشد و انسان با دیدن آن و درک بعد مادی، بنا به خاصیت شناختی خود و بسته به مقام انسانی و عبادی



مدل ۱: مدل پژوهش. ماخذ: نگارندگان

جدول ۴: مشخصات مطالعه انسانی. منبع: نگارندگان

تعداد سوالات	متغیرهای مورد ارزیابی	مقیاس جامعه آماری	تعداد سوالات	ابزار تحقیق در حوزه مطالعه میدانی
۳	کلیت نور طبیعی	۳۸۰		
۷	روحانیت و قداست	مورد قبول	۲۴	پرسش نامه
۷	هدایت و طی مراتب			
۷	تداعی حق و عروج		۳۶۱	

بافت‌های با تعداد زیاد مسجد، در شهر به شمار می‌آید که کاربران زیادی را به خود جلب می‌نماید. به همین جهت به نظر رسید با سنجش نظرات مخاطبین این بافت، بتوان نتایج قابل استنادی در کل پژوهش اتخاذ نمود. با احتساب جمعیت کل شهر تبریز و تعداد مساجد و با در نظر گرفتن سرریز پرسش‌نامه‌ها، ۴۰۰ نفر برای جامعه آماری انتخاب گردید و با در نظر گرفتن تغییرات بافتی این محور و احتمالاً تخریب یا عدم دسترسی به برخی نمونه‌های موجود در این بافت، ۱۳ مسجد مورد ارزیابی و ۲۱۴ کاربر به نسبت منطقه قرارگیری مسجد و ازدحام یا خلوت بودن آن‌ها، در آن‌ها سنجش شدند. از آنجا که سوالات مورد ارزیابی، در خصوص کلیت نور در فضاهای عبادی طرح شده بود و با استناد بر

تایید اولیه معادل سازی متغیرها

در این مرحله از پژوهش که تحلیل اولیه برای نمونه‌های مفاهیم مورد نظر بدست آمده است؛ دیاگرام ۳ و مدل ۱ به منظور ارزیابی تحلیل، به چند متخصص معمار ارائه گردیده و تایید آنان را به منظور تنظیم پرسش‌نامه و ارائه به کاربر اخذ نموده است. به بیانی دیگر کمی‌سازی مفاهیم کیفی، مورد تایید قرار گرفته و بر این اساس سوالات پرسش‌نامه تدوین گردیده‌اند.

ارزیابی نهایی (مطالعه نظر کاربران)

در خصوص ارزیابی و آزمون عینی‌سازی پارامترهای موثر در نقش نور، محور میانی شهر تبریز به منظور مطالعه انتخاب گردید. این محور با دارا بودن ۲۰ نمونه، یکی از

مرد می‌باشند که نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به افراد مذکر است (جدول ۶).

جدول ۵: درصد نفرات مورد آزمون، منبع: نگارندگان

جدول درصد نفرات مورد آزمون در هر نمونه

ردیف	نام مسجد	درصد	جمع درصد نفرات
۱	امام زمان	۰.۶	۰.۶
۲	امام سجاد	۱.۱	۱.۷
۳	چهارده معصوم	۰.۶	۲.۳
۴	حاج احمد	۳.۹	۶.۲
۵	حاج حسین علاف	۰.۸	۷
۶	خاقانی	۱.۷	۸.۷
۷	سالار شهیدان	۵.۸	۱۴.۵
۸	سیدلر	۳.۰	۱۷.۵
۹	شعبان	۲۷.۴	۴۴.۹
۱۰	آیت الله شهیدی	۱۰.۲	۵۵.۱
۱۱	غریب‌لر	۲.۸	۵۷.۹
۱۲	مصلی	۰.۸	۵۸.۷
۱۳	ملا علی اکبر	۰.۶	۵۹.۳
۱۴	عابرن محدوده	۴۰.۷	۱۰۰

عدد بدست آمده از فرمول کوکران، ۳۸۰ نفر جامعه آماری به منظور نیل به نتایج پژوهش ضروری به نظر می‌رسید؛ نفرات باقیمانده از عابرن این محور انتخاب گردیدند و سوالات بین آن‌ها توزیع گردید که از بین پرسش نامه‌های دریافتی ۳۶۱ عدد قابل قبول بود (جدول ۴).

از آن جا که شبیه‌سازی حالات مورد نظر پژوهش در ذهن مخاطب، سبب حصول نتایج مطلوب‌تر خواهد شد؛ نمونه‌های مراجعه شده، مساجد مورد استفاده ی در حال حاضر این محورند که نماز ظهر و عصر در آن‌ها برگزار می‌گردد. تعداد نفرات مورد آزمون در هر نمونه وابسته به جمعیت آن نمونه بوده و بنابراین تابع الگوی خاصی نیست (جدول ۵).

تحلیل و بررسی

به منظور سنجش صحت سوالات و روایی و پایایی آنها، ابتدا پیش آزمون سوالات از ۳۰ نفر انجام یافت و پس از آنالیز سوالات، نقایص آن‌ها برطرف گردید. نهایتاً آلفای بدست آمده از کل سوالات طراحی شده برای سنجش متغیرها، برابر ۰.۸۲۹ بدست آمد که نشان از روایی و پایایی بالای سوالات و صحت مناسب یافته‌های پژوهش دارد. در این پژوهش ۲۳.۵ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۷۶.۵ درصد

جدول ۶: جدول جنسیت جامعه آماری. ماخذ: نگارندگان

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
زن	85	23.5	23.5	23.5
مرد	276	76.5	76.5	100.0
کلیت	361	100.0	100.0	

سوالات داده‌اند و این نشان دهنده تایید مخاطب به یافته‌های محقق است که هدف این مطالعه بود. از طرفی در تک به تک متغیرها نیز این عدد بالای نمره میانگین ۵۰ می‌باشد که مورد تایید بودن متغیرهای پژوهش را اثبات می‌نماید. با استناد بر $\text{sig}=0.000$ ، بین نور طبیعی و مطلوبیت آن از نظر مخاطب ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این ارتباط برای متغیر روحانیت، هدایت و عروج نیز به همین منوال بوده و مطابق جدول ۸ قابل مشاهده است. در حوزه کلیت نور طبیعی که مربوط به سه سوال اول پرسش نامه است؛ میانگین ۷۴.۹۰، بالاترین امتیاز متغیرها را به خود اختصاص داده و مطلوب بودن نور طبیعی در کالبد مساجد را به اثبات می‌رساند.

در حوزه تحصیلات ۶.۱ درصد، زیردیپلم، ۲۶ درصد دیپلم، ۱۱.۱ درصد فوق دیپلم، ۴۴.۹ درصد لیسانس، ۱۱.۹ درصد فوق لیسانس و بالاترند که بیشترین فراوانی مربوط به افراد با مدرک تحصیلی لیسانس است. در خصوص اطلاعات زمینه‌ای که از مخاطبین استخراج شده است؛ تفاوتی در عابرن محدوده و کاربران نمونه‌ها، جنسیت، سن، تحصیلات و مساجد مشاهده نشد. به عبارتی بهتر بین متغیرهای پژوهش و پارامترهای زمینه‌ای مذکور ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. میانگین سن افراد مورد مطالعه نیز تقریباً ۳۲.۶۵ با انحراف استاندارد ۱۱.۵۹ است، بطوریکه حداقل سن ۱۴ و حداکثر آن ۸۱ می‌باشد.

طبق اطلاعات جدول ۷ ملاحظه می‌شود که ۶۲.۶۴ درصد پاسخگویان نمره بالای میانگین عددی ۵۰ را به

جدول ۷: میانگین امتیاز متغیرهای پژوهش. ماخذ: نگارندگان

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
کلیت نور	361	74.9077	19.47396	1.02495
متغیر روحانیت	361	65.2255	14.74900	.77626
متغیر هدایت	361	60.1603	17.20755	.90566
متغیر عروج	361	57.1825	13.89334	.73123
کل سوالات	361	62.6472	11.77843	.61992

جدول ۸: معنی‌داری متغیرهای پژوهش. ماخذ: نگارندگان

	t	df	Sig. (2-tailed)	Test Value = 50		
				Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
کلیت نور	24.301	360	.000	24.90766	22.8920	26.9233
متغیر روحانیت	19.614	360	.000	15.22546	13.6989	16.7520
متغیر هدایت	11.219	360	.000	10.16033	8.3793	11.9414
متغیر عروج	9.823	360	.000	7.18249	5.7445	8.6205
کل سوالات	20.401	360	.000	12.64715	11.4280	13.8663

جدول ۹: ارتباط متغیرهای پژوهش. ماخذ: نگارندگان

		کلیت نور	متغیر روحانیت	متغیر هدایت	متغیر عروج	کل سوالات
کلیت نور	Pearson Correlation	1	.558**	.364**	.151**	.614**
	Sig. (2-tailed)		.000	.000	.004	.000
	N	361	361	361	361	361
متغیر روحانیت	Pearson Correlation	.558**	1	.587**	.261**	.823**
	Sig. (2-tailed)	.000		.000	.000	.000
	N	361	361	361	361	361
متغیر هدایت	Pearson Correlation	.364**	.587**	1	.352**	.837**
	Sig. (2-tailed)	.000	.000		.000	.000
	N	361	361	361	361	361
متغیر عروج	Pearson Correlation	.151**	.261**	.352**	1	.623**
	Sig. (2-tailed)	.004	.000	.000		.000
	N	361	361	361	361	361
کل سوالات	Pearson Correlation	.614**	.823**	.837**	.623**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000	.000	.000	
	N	361	361	361	361	361

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در هر بنایی که مفاهیم نقش قابل توجهی دارند؛ معماری می‌تواند نمودبخش این معانی باشد. چنانچه این تجلی به نحو احسن انجام یابد؛ ابعاد بیشتری از وجود انسانی درگیر شده و معماری به هدف خود نایل خواهد آمد. در بنایی چون مسجد که جنبه‌های معنایی نقش به مراتب موثرتری دارند؛ توجه به آن‌ها بناها را در ذهن مخاطب دلنشین‌تر جلوه داده و او ناخودآگاه در انتخاب فضای عبادت از بین چند گزینه، به نمونه‌ای روی خواهد آورد که بتواند این توجه را در آن جلوه‌گر ببیند. نور به عنوان صورتی از معنا و نمادی از وجود خداوند، جایگاه مهمی در تبلور این مفاهیم داراست و

برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، که هر دو در سطح فاصله‌ای می‌باشند؛ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۸ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری به دست آمده برای دو به دوی متغیرها برابر ۰.۰۰۰ بوده و بین آن‌ها رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر روحانیت و هدایت، ۰.۵۸۷ می‌باشد که نشان می‌دهد شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مستقیم است. دو متغیر روحانیت و عروج با ضریب همبستگی ۰.۲۶۱ ارتباط ضعیف و مستقیم دارند. هدایت و عروج نیز با ضریب ۰.۳۵۲ دارای ارتباط متوسط به پایین و مستقیم هستند (جدول ۹).

تعبیه گردد؛ مطلوب‌تر می‌داند. دلیل این مدعا کشاندن پرتو و باریکه نور خورشید به داخل است که کاربر، آن را در تجلی بهتر مفهوم روحانیت و قداست، هدایت و طی مراتب و تداعی حق و حس عروج موثر می‌داند و مساجدی با این مشخصات کالبدی در انتقال این معانی موفق‌تر به نظر می‌رسند. تایید تمام نتایج مذکور، همانگونه که در بخش تحلیل و بررسی نیز اشاره گردید؛ موافقت مخاطب با نحوه عینی‌سازی مفاهیم مورد نظر پژوهش است. جامعه آماری، ۷۴.۹ درصد بر وجود نور طبیعی در فضای مسجد تاکید دارد. با ۶۵.۲ درصد، نور طبیعی سفید را در صورت وارد شدن به مسجد از بازشویی در ارتفاع بالاتر از افق دید، نمودی از روحانیت و قداست در فضای مسجد می‌داند. جبهه تابش و میزان نور را به میزان ۶۰ درصد در طی مراتب و تجلی هدایت موثر قلمداد نموده و به میزان ۵۷.۱ درصد موافق تداعی بیشتر مفهوم حق و عروج در صورت استفاده از بازشوهایی در ارتفاع بالاتر، با ابعاد کوچکتر و تعداد بیشتر است. به طور کلی، با ۶۲.۶۴ درصد، فرضیه محقق را اثبات نموده و عینیت‌های مذکور را در تجلی مفاهیم مورد نظر اثرگذار تلقی می‌نماید. تاکید مجدد این نکته خالی از لطف نخواهد بود که در تدوین پرسش نامه، سوالات بر مبنای کالبد نورگیرها طراحی شده و مفاهیم و نقش‌های معنایی نور در تحلیل کلی سوالات هر متغیر مستتر بوده‌اند. به عبارتی دیگر، مخاطب عام بطور مستقیم درگیر مفاهیمی چون روحانیت و هدایت و عروج و ارتباط آن با نمود معمارانه نبوده است؛ بلکه سوالات از منظر معماری طراحی شده و ارتباط آن با معانی مدنظر، با نحوه تنظیم پرسش‌ها و تحلیل‌های آماری نهایی حاصل آمده است. به علاوه به منظور درک بهتر مخاطبین، پاسخ به سوالات با توضیح و توجیه محقق همراه بوده و در صورت لزوم تک به تک سوالات برای پاسخ دهندگان واکاوی شده است.

چگونگی ظهور آن به درک بهتر حضور یاری خواهد رساند. با واکاوی مبانی عرفانی و اسلامی، روحانیت و قداست، هدایت و طی مراتب و تداعی حق و عروج به عنوان مهم‌ترین مفاهیم مورد انتظار از نور به نظر می‌رسد که وظیفه معماری کمک به تجلی آن‌هاست. محقق در این پژوهش به عینیت بخشی استنادی به این مفاهیم در حوزه معماری روی آورده و پس از بررسی میدانی و همچنین واکاوی نظر اولیه کاربران، رنگ نور، جهت بازشو، ارتفاع، ابعاد و تعداد آن‌ها را در چگونگی تبلور این معانی موثر می‌داند. اما رویکرد اصلی این مطالعه ارزیابی نگاه مخاطب مسلمان به این موضوع است و بنابراین یافته‌های پژوهش در قالب پرسش‌نامه از دید مردم تبریز سنجیده شده است. از آنجا که جامعه آماری، مخاطب عام و شهروندان شهر تبریز بوده‌اند؛ تداعی معانی برای اخذ پاسخ‌های درست امری ضروری به نظر می‌رسید و بنابراین مطالعه انسانی در داخل مساجد انجام یافته که نمونه‌ها از محور میانی شهر انتخاب شده‌اند. همانگونه که بیان شد در این بخش پژوهش، هدف اصلی ادراک بهتر کاربر از موضوع سوالات بوده و مراجعه به مساجد صرفاً جنبه‌ای کمک کننده به کاربران را داشته است. به منظور درک بهتر مخاطبین، سوالات، پارامترهای عینی را اصل در نظر گرفته و میزان و کیفیت پارامترهای ذهنی را مورد واکاوی قرار داده است. به عبارتی بهتر، ابعاد عینی را به عنوان متغیر مستقل مدنظر داشته و تاثیر آن‌ها را در میزان و چگونگی مفاهیم عرفانی از مخاطب سوال نموده است. نتایج حاصله حکایت از عدم تفاوت دید مخاطبین به موضوع پژوهش از لحاظ سن و جنس و تحصیلات و عابر یا کاربر بودن آن‌ها دارد. ره آورد نهایی مطالعه حاکی از آن است که فرضیه و ادعای محقق صحیح بوده و مخاطب، داشتن نور طبیعی سفید رنگ در مسجد را با بازشوهایی با ابعاد کوچک و در ارتفاع بالاتر از سطح زمین که امتداد نگاه را به سمت آسمان سوق دهد و در جبهه جنوبی

فهرست منابع

- سهروردی، شهاب‌الدین، حکمه الاشراق، سجادی، سید جعفر، دانشگاه تهران، تهران، ۱۵۶۲.
- ایمان طلب، حامد؛ گرامی، سمیه (۱۳۹۱)، نسبت معنا و شکل، تطابق اندیشه معماری مسجد و فرم شناسی نماز، مطالعات هنر اسلامی، ۱۶، ۷۷-۸۸.
- بمانیان، محمدرضا؛ پورجعفر، محمدرضا؛ احمدی، فریال؛ صادقی، علیرضا (۱۳۸۹)، بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی، شیعه شناسی، ۳۰، ۳۷-۷۰.
- بهنام، مینا (۱۳۸۹)، استعاره مفهومی نور در دیوان شمس، نقد ادبی، ۱۰، ۹۱-۱۱۴.
- روحانی، رضا؛ عربشاهی کاشی، الهام (۱۳۹۰)، انواع، مراتب و کاربردهای نور در مثنوی، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۳، ۱۹-۳۴.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۳)، انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه، علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۹ و ۱۰، ۱۵-۲۲.
- حق طلب، طاهره؛ کاروان، فرهاد (۱۳۹۱)، مسجد، تجلیگاه معماری قدسی، هفت حصار، ۱، ۲۱-۲۸.
- دیباجی، سید محمدعلی (۱۳۹۰)، جایگاه نور در حکمت اشراق، اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۳۹، ۱-۲۰.

- عبداللهی اهر، محبوبه (۱۳۸۹)، مراتب انوار و تطبیق آن با نصوص عرفانی و شعر مولوی، کاوش نامه، ۲۱، ۱۹۱-۲۲۳.
- کاظمی، سید محمد؛ کلانتری خلیل آباد، حسین (۱۳۹۰)، ابزارهای پیام رسانی معنوی در معماری مسجد با تاکید بر ایدئولوژی اسلامی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶، ۴۱-۴۶.
- کمالی‌زاده، طاهره (۱۳۹۱)، قاعده مشرقیه «نور و ظلمت» و نظریه اشراقی «معاد»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، ۸۸/۲، ۱۰۳-۱۲۵.
- محمدی، علی و روزبهانی، علیرضا (۱۳۹۱)، مسجد در آینه مثنوی، زبان و ادب فارسی "ادب و عرفان"، ۱۱-۲۴.
- وفایی، عباسعلی؛ زهت، بهمن (۱۳۸۸)، در پرتو انوار معنوی (تحلیلی از ساختار تجربه عرفانی عرفا در باب نماد نور)، ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱، ۱۶۹-۱۹۸.
- یوسف‌پور، محمد کاظم و بخشی (۱۳۸۸)، اختیار، بررسی مقایسه‌ای عنصر نور در مثنوی با مهمترین آثار عرفانی ادب فارسی، ادب پژوهی، ۷ و ۸، ۷۹-۹۹.
- یوسف‌پور، محمد کاظم؛ محمدی کله سر، علیرضا (۱۳۹۰)، پیوندهای معنایی تمثیل‌های وحدت وجود در مثنوی، مطالعات عرفانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، ۱۳، ۲۱۱-۲۳۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی